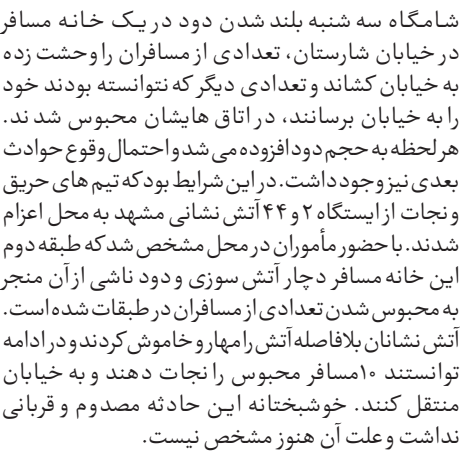


نجات مسافران از آتش و سقوط به قیف مرگ

● گذر آتش به خانه مسافر افتاد



● سقوط به قیف مرگ!



جهان
حوادث

مهر ۶۷ نفر در پی ریزش یک معدن طلا در سودان جان خود را از دست دادند. این حادثه در منطقه دورافتاده‌ای در «کردفان غربی» سودان رخ داد. دو نفر از بازماندگان گفته‌اند که تونل‌های معدن از زوایا شروع به ریزش کرده است. تیم‌های امداد و نجات ۲۴ ساعت بعد، شصت جسد را بیرون کشیدند. هنوز نمی‌دانیم چند نفر داخل مانده‌اند.

ایستادن مقامات لس آنجلس می گویند یک بالگرد متعلق به یک شبکه خبری در حومه این شهر سقوط کرد که در نتیجه این سبب، سه نفر کشته شدند. بالگرد شبکه خبری KNBC در ۲۵ مایلی شمال غربی مرکز شهر لس آنجلس سقوط کرد. این ناحیه در نزدیکی منطقه ای رخ داد که به نیمه های اوزوناس و روزنامه نگاران در حال رسیدگی به تصادف مرگ بار اتوبوس در اوایل حمل شب بودند. اما مدارکن آن فکر نفر را به بیمارستان محلی منتقل کردند. گفته شده یکی از کشته شده گان اورجیواید به یک پارکینگ بوده است. این بالگرد کاملاً منهدم شده است. حادثه تصادفی که منجر به سقوط بالگرد شده است، مربوط به برخورد یک خودرو با اتوبوسی در شهر کالیفرنیا می باشد که دو نفر کشته و شش نفر دیگر زخمی شدند. در این حادثه خودروی شاسی بلند با یک اتوبوس متور در لس آنجلس برخورد کرد و خودروی ساری در بدنه اتوبوس فرو رفت. در پی این حادثه مسافران اتوبوس در داخل گیر افتاده بودند که نیروهای امدادی مجبور به خارج کردن آن ها شدند. آتش نشانی اعلام کرد که آماری از تعداد سرنشینان اتوبوس و خودروی شاسی بلند در دست ندارد.

↓

1

سعيد جلايان

گزارش

متهم اصلی فرهاد نام دارد. او چهل و سه ساله و ساکن تهران است. متهم دیگر ابوالفضل سی و سه ساله و بهرینجند آمده بوده است. قاضی خاشوهری پس از آغاز بازسازی، شرح مختصری از حادثه ۱۸ تیرماه اعلام کرد: شامگاه هجدهم تیرماه، حدود ساعت ۲۱ شب، موضوع جنایت گزارش شد. با توجه به هم زمانی این جنایت با ایام برگزاری مراسم تشییع پیکر امام شهید امت، پیگیری پرونده با حساسیت بالا در دستور کار قرار گرفت. پرونده در اداره جنایی و دایره قتل پلیس آگاهی به صورت میدانی دنبال شود و سرانجام به همکاری سربازان گمنام امام زمان (عج) در وزارت اطلاعات، متهمان شب از آنکه بتوانند از کشور متواری شوند، به همراه چند کیلو مواد مخدر، کلنگ، فشنگ، خشاب و مهمات، مشروبات الکلی و مواد مخدر شناسایی شدند. در ادامه مشخص شد متهمان پس از به شهادت رساندن دو جوان سببی، برای امتین مالی، به یکی از روستاهای شهرستان بهرینجند رفته اند و پیرزنی هشتاد ساله را به قتل رسانده اند. پس از این جنایت، متهمان اموال پیرزن را سارق و با فروش این اموال، اقدام به خرید مواد مخدر کردند تا در شهرهای مرزی کشور به فروش برسانند، اما در همان مسیر پیرزن دستگیر شدند.

پس از این توضیحات، متهمان برای به بازسازی جنایت خود سوار موتورسیکلی مشابه شدند. در جریان بازسازی، فرهاد مدعی شد: سال ۱۳۸۸ در جریان یک پروژه عمرانی در پنجوند، من از شخصی مبلغی طلب داشتم که حالا با احتساب تورم این طلب به حدود ۶ تا ۷ میلیارد تومان می‌رسد. دیدم برای وصول این طلب اگاه فرصت مناسبی فراهم شده است، چون همه حواس اها به سمت هشتم مرکزی شده است و سایر نقاط شهر خلوت است. به همین دلیل بود که این نقشه را کشیدم. من با ابوالفضل تماس گرفتم و به او گفتم از همان بیرجند لباس سیبویی بخرد و به مشهد بیاید تا بتوانم طلبم را بگیرم و به او هم یک یادنویسان شیرینی بدهم. ما به همین ترتیب، در روز پیش از مراسم تشییع به مشهد رسیدیم. متهم ادامه داد: ابوالفضل با کمک سایر افراد و یک واحد مسکونی در منطقه ایتام جا کرد. من یک حکم جعلی تهیه کرده بودم که گفتم شاید به دردم بخورد. با خودم می‌گفتم که با این حکم، لباس سیبویی

● فکر کردم می‌خواهد تعقیبم کند

● برای پول با فرشاد همراه شدم

با توجه به اشاره متهم به ابو الفضل در اینجا نوبت به او رسید. این متهم ضمن تأیید اظهارات به‌دستش گفت: من پیش از این به اتهام کلعبرداری چهار سال زندان بودم. از همان‌جا پوروند، در حدود ۷۰ تا ۸۰ میلیون تومان از فرشاد می‌خواستم. فرشاد مدام امروز و فردا می‌کرد تا اینکه یک هفته قبل از این اتفاق به من زنگ زد. او گفت: به مشهد بیا علاوه بر اینکه پولت را می‌دهم، یک یادتومان دیگر هم بشیرینی می‌دهم. من در بیرجند سرآشپز بودم، اما هیچ پولی نداشتیم؛ حتی کرایه‌ای آمدن به مشهد را هم نداشتیم. فرشاد برای من مبلغی واریز کرد که به آن از بیرجند لباس تهیه کردم و به مشهد آمدم. چند لینگ اجاره خانه‌ای که سایت واسطه‌گردی برای من فرستاده بود. من در اقامت خانه اجاره کردم و فرشاد آمد پیشم. روزی که این اتفاق رخ داد، چون می‌خواستیم مهندس را راکه به فرشاد بدهکار بود، بترسانیم، خوب و درجیم کل کشیدیم. این کار را کردیم تا قدرت تکلم و دل و جگرشان زیاد شود. وقتی راه افتادیم، من تنها یک دست لباس بسیجی داشتم و فرشاد گفته بود من حکم دارم، به او نشان می‌دهم و او می‌ترسد. ما به شان‌دیز رفتیم، ولی فرشاد گفت که مهندس اینجا نیست. بعد از دو ساعت فرستاد گفت که خانه مهندس در منطقه کوهسنگی است. می‌توانیم آنجا از او پول بگیریم. ما به سمت مشهد بازگشتیم. وارد بولوار برونسی شدیم و در بولوار فکوری (نام مسیر دادایم. از تقاطع هاشمیه که پس از طاعت توفع کردیم و با آن معدن خریدیم، پس از این‌جا)

عکس: محسن بخشنده | شهر آرا

● ابوالفضل کارگردان قتل پیرزن بود

در ادامه متهمان با نشستن روی موتورسیکلت صحنه جرم را مقابل دوربین قوه قضائیه موبه مو بازسازی کردند تا هیچ ابهامی در پرونده باقی نماند. با پایان بازسازی، متهمان با دستور قضایی به زندان منتقل شدند تا با پایان مراحل تحقیقات، برای رسیدگی به جنایت هایشان در دادگاه حاضر شوند.

● اعتراف به قتل زن دایی

ابو الفضل درباره قتل زن دایی اش ادعا کرد؛ ما در باغ مخفی شده بودیم که من گفتم می توانم از او پول قرض بگیرم. من برای اینکه چهرام شناسایی نشودم با با چادر صورت را پوشاندم و راهی بیرجند شدیم و وقتی رسیدیم کربنم را پانسمان کردم. گفتم من برای دلش گریه می کردم که او زن دایی رفتیم و او از ما پدیرایی می کرد. به او گفتم: زن دایی! تصادف کرده ام؛ باید دیه بپردازم.

[illegible]